



ضرورت یادگیری سیار و استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی در عصر جهانی شدن

سعید شاه‌محمدی (نویسنده مسئول)^۱، علی رحمتی^۲

^۱ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی s.sh.mohaggeg@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد عجب‌شیر ali120sr@gmail.com

چکیده

امروزه با توجه به استفاده گسترده کاربران از فناوری‌های نوظهور، آموزش در الگوی سنتی برای همگان امکان‌پذیر نیست و ارائه سیستمی که بتواند به صورت خودکار با سطح دانش و علاقه‌های کاربران هماهنگ شود، اهمیت فراوانی دارد. تحولات عرصه آموزش نوید آن را می‌دهد که می‌توان محیطی مناسب یادگیری، در سطحی وسیع و با انعطاف‌پذیری لازم در دسترس همگان قرار داد و آن محیط یادگیری، می‌تواند یادگیری سیار باشد. هر نوع تغییری در عرصه‌های مختلف از جمله عرصه آموزشی و فرهنگی و تربیتی آثار و تبعات متناسب با اهداف و کارکرد خود را به دنبال خواهد داشت. شناخت هر پدیده، ضرورت توجه همه‌جانبه به نتایج و آثار آن تغییر و تحول خواهد بود توسعه فناوری‌های نوین از این قاعده مستثنا نیست. به همین منظور لازم است فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از توسعه فناوری در آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گیرد. این فرصت‌ها و تهدیدها نه فقط مختص دانش آموزان بلکه همسو با آن‌ها معلمان و خانواده‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. فناوری‌های یادگیری سیار در آموزش، از جمله فناوری‌های مطلوب و مهمی هستند که بسیاری از هدف‌های آموزشی در آموزش از راه دور را برآورده می‌سازند و تجربیات و اطلاعات را بدون توجه به زمان و مکان به یادگیرندگان ارائه می‌دهد. آموزش و پرورش وظیفه دارد دانش آموزان را متخلق به دانش و مهارت، اخلاق اسلامی و معنویت بار بیاورد و قطعاً نمی‌تواند چشم بر روی تغییر و تحولات جهانی به‌ویژه در حیطه فناوری‌های نوین ببندد معلمان و مربیان همچنان که در توسعه و تحول می‌توانند نقش کلیدی و محوری ایفا نمایند در توقف و یا مقاومت در برابر تحول نیز نقش کلیدی دارند.

واژه‌های کلیدی: فن‌آوری‌های نوین، آموزش، تربیت، فرصت‌ها، تهدیدها.



۱- مقدمه

شاید تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۹۸ برای تاریخ روزی تلخ باشد که اولین گزارش شیوع ویروس کرونا از شهر ووهان چین منتشر شد. در آن روز کمتر کسی تصور می‌کرد که این ویروس عجیب با این سرعت کشورها را درنوردد و زیست‌بوم جدیدی را به عالم تحمیل کند. نکته قابل توجه بعد از شیوع این بیماری نحوه مقابله و عملکرد دولت‌ها و حکمرانان بود که با تجارب متفاوت و شیوه‌های مختلف خواستند این وضعیت را مدیریت کنند. یکی از این وضعیت‌های که تقریباً شرایط جدید و بی‌سابقه‌ای پیدا کرد، آموزش الکترونیکی و تعلیم و تربیت مجازی بود.

تقریباً تمام کسانی که به دنبال توسعه اصولی و نهادینه کردن اصلاحات ساختاری در جوامع هستند شروع کار خود را از آموزش و پرورش آغاز می‌کنند. مقوله تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ما با مشکلات و تهدیدهای عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند و راهی جز تلاش هوشمندانه و کار تخصصی مبتنی بر راهبردهای اجرایی و آینده‌نگری اسناد بالادستی ندارد. افت کیفی آموزش و پرورش، جهانی شدن اهداف تعلیم و تربیت، دغدغه حفظ هویت، بالا رفتن هزینه‌ها، رقابت گسترده، توسعه آموزش‌های نوین و مجازی و ... از جمله چالش‌های پیش روی آموزش و پرورش است.

با نگاهی به وضعیت تعلیم و تربیت در دستگاه آموزش و پرورش کشور، می‌توان به ضعف برنامه منسجم و علمی و همچنین کمبود اعتبار و امکانات آن پی برد. فعالیت‌های تربیتی در مدارس به دلیل عدم فراگیری، نبود جایگاه کافی زمان و مکان، برنامه، نیروی انسانی باانگیزه و توانمند، کمبود بودجه و ... تأثیر چندانی بر دانش آموزان نداشته است. در حقیقت نظام آموزشی و تربیتی ما از یک سری آسیب‌ها و مشکلات درونی و برونی رنج می‌برد. این نظام از یک طرف می‌خواهد نسل جوان؛ در دنیای امروز محقق، نقاد، خلاق و پرسشگر بار بیاید و در حوزه علوم جدید متخصص و دانشمند شده و در عرصه زندگی اجتماعی موفق شود و از سوی دیگر در امور دینی مقلد و مقید باشد. حال این سؤال مطرح است آیا وقت آن نرسیده تا متناسب با تحولات پرشتاب فناوری‌های نوین و مظاهر آن به تولید و ارائه طرح‌های خلاقانه و نو در نظام آموزشی پرداخت؟

علم، معلم، تدریس، شاگرد، دانش آموز، محتوای دروس، مدرسه و ... در حال احراز تعاریف جدید هستند. در چنین فضایی، نظام تصمیم سازی آموزش و پرورش کماکان خود را با مسائل دهه‌های قبل مواجه می‌داند و قرار است در کنار انبوهی از مسائل و چالش‌های گذشته و حال به استقبال مسائل آینده برود و خود را برای مواجه شدن با آن آماده نماید ولی این امر با مکانیزم‌های جاری تصمیم سازی میسر نیست. تحولات سریع عرصه‌های مختلف زندگی معاصر، شعار تشکیل دهکده جهانی و نظریه جهانی شدن را شکل داده است و قطعاً این وضعیت در آینده ما را با موج وسیعی از مسائل و چالش‌های جدید مواجه خواهد ساخت. یکی از راه‌های برخورد منطقی و عقلانی با انقلاب فناوری می‌تواند توجه به مسئله آموزش و پرورش باشد که ابتدا باید قدرت مواجه انسان را بالا ببرد و با ایجاد تحول در بینش، دانش و نگرش انسان‌ها و افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی، آنان را فعال و اثرگذار برای مواجه با تحولات و تغییرات آماده نماید. در چنین شرایطی یکی از نیازهای سازمان‌های بزرگی همچون آموزش و پرورش، توسعه فناوری‌های نوین در برنامه‌های آموزش و پرورش است که می‌تواند تحول کیفی اهداف، برنامه‌ها، روش‌ها و شیوه‌ها و در نتیجه اثربخشی آموزش و پرورش را به دنبال داشته باشد.

بسیاری از مشکلاتی که امروزه توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور با آن مواجه است از قبیل کمبود بسترهای فرهنگی، کمبود نیروی انسانی ماهر، آشنا نبودن با زبان‌های خارجی، پایین بودن انگیزه و روحیه جست‌وجو و کاوشگری، فقدان گرایش به کار و تلاش و عمل و در یک کلمه، کاهش توانمندی‌های مهارت‌های زندگی، ناشی از ناتوانی نظام آموزش و پرورش سنتی در پاسخگویی به نیازهای جامعه در حال تغییر و تحول است. نوآوری در روش‌های تدریس و استفاده از فناوری‌های نوین در مدارس موجب توسعه یادگیری مشارکتی دانش آموزان، تقویت روحیه جست‌وجوگری و پژوهش، کاربردی نمودن آموزش، فراهم نمودن زمینه آموزش و یادگیری مادام‌العمر می‌شود (صالحی امیری و حیدری زاده، ۱۳۸۶)



۲- روش

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از آرا و نظرات دانشمندان تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش به شکل توصیفی و تبیینی انجام شده است.

۳- اهداف

۳-۱- شناخت ضرورت یادگیری سیار و فناوری‌های جدید

۳-۲- بررسی و شناخت آثار جهانی شدن بر تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش

۳-۳- بررسی راهبردی چالش‌های آموزش و پرورش و فرصت‌ها و تهدیدات فضای مجازی

۴- بیان مسئله و بحث

۴-۱- یادگیری سیار

یادگیری سیار (mobile learning) نظریه جدیدی است که به تازگی در مجامع آموزشی مطرح شده است. قدیمی‌ترین تعریفی که از یادگیری سیار وجود دارد را کلارک کوین (۲۰۰۰)، ارائه داده است. از نظر وی یادگیری سیار نقطه تلاقی وسایل کامپیوتری سیار و یادگیری الکترونیکی است. این یادگیری موقعیتی را فراهم می‌سازد که مواد آموزشی در هر مکان و زمان قابل دسترس باشند. ظرفیت جستجوی بالا، تعاملات غنی، حمایت قوی از یادگیری مؤثر و ارزیابی مبتنی بر عملکرد، از ویژگی‌های دیگر یادگیری سیار است. به عبارتی یادگیری سیار، یادگیری الکترونیکی است که مستقل از زمان، مکان و فضا است. در تعریف دیگر آمده است، یادگیری سیار عبارت است از سهولت یادگیری و دسترسی به مواد آموزشی برای کاربران وسایل سیار از طریق یک رسانه بی‌سیم (میلوا و همکاران، ۲۰۰۸). کیگان (۲۰۰۴) به‌طور عمده بر سهولت حرکت وسایل تأکید کرده است. وی در این رابطه می‌گوید که من یادگیری سیار را، ارائه آموزش و یادگیری از طریق دستیارهای دیجیتال شخصی، پالم تاپ‌ها، ابزارهای دستی، تلفن‌های هوشمند و تلفن‌های همراه تعریف می‌کنم، یعنی وسایلی که به راحتی قابل حمل باشند. الای (۲۰۰۵)، نیز یادگیری سیار را به عنوان ارائه یادگیری از طریق وسایل سیار توصیف کرده است.

نی اسمیت و همکاران (۲۰۰۴)، به نقل از میلوا و همکاران، (۲۰۰۸)، در رابطه با دسته‌بندی مبانی فعالیت‌های یادگیری سیار می‌گویند، فعالیت‌های مبتنی بر یادگیری سیار به شش حیطه تقسیم می‌شود که چهار حوزه آن به نظریه‌های یادگیری اساسی مربوط است. این نظریه‌ها عبارتند از: رفتارگرایی، ساخت‌گرایی، موقعیتی و مشارکتی. دو حوزه دیگر عبارتند از یادگیری غیررسمی و مادام‌العمر و یادگیری و آموزش حمایت‌شده که بیشتر با زمینه و کاربرد ارتباط دارند. از این شش رویکرد، رویکرد ساخت‌گرایی برحسب توصیفی که از یادگیری دارد، برای یادگیری سیار مفیدتر است. رفتارگرایی تنها به ارتباط بین عمل دانش‌آموز و پاسخ منفعلانه توجه دارد. رویکردهای موقعیتی و مشارکتی نیز بیشتر مربوط به روش‌هایی هست که یادگیری در آن‌ها معمولاً به یک فعالیت ساخت‌گرایانه منجر می‌شود (همان منبع). آمالی و همکاران (۲۰۰۵)، نیز در مقاله خود به همین تقسیم‌بندی اشاره کرده‌اند و کاربردهای این نظریه‌ها را در یادگیری سیار مورد بحث قرار داده‌اند.

۲-۴- globalization

این اصطلاح از حدود سال ۱۹۶۰ رواج یافته است ولی ریشه واژه global حدود ۴۰۰ سال قدمت دارد. در یک جمله جهانی شدن یعنی «تشکیل یک کل منسجم و متحد برای یکپارچه شدن در همه زمینه‌ها و آگاهی‌ها با ایجاد روابط متقابل بین دولت‌ها و جوامع که همه تصمیم‌ها برای جهان مهم است.» (کومسا، ۱۳۸۷)



جهانی شدن موجب شده تا در بسیاری از موارد مرزهای سنتی آموزش و فناوریها از بین رفته و نیازمند آن است که دوباره تعریف شود. برای مثال از بین رفتن مرز بین دولت‌های ملی و جامعه جهانی، بین فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌های تشکیل دهنده آن، بین مدرسه و جامعه محلی، بین خانه و مدرسه، بین آموزش و کار، بین دنیای کار و مؤسسات یادگیری، بین آموزش رسمی و غیررسمی، بین برنامه درسی از قبل تنظیم شده و انتخاب‌های افراد، بین شاگرد و معلم، بین والدین و فرزندان آن‌ها، بین انسان و ماشین و حتی بین رشته‌های مختلف، موجب شده تا چالش‌های عمده‌ای در آموزش ایجاد شود که به منظور برخورد با آن‌ها و انطباق با تغییرات پیش آمده، برنامه‌ریزان و مربیان آموزشی بایستی گام‌هایی فوری و متهورانه برای تجدید سازمان آموزشی در تمامی جنبه‌ها و ابعاد بردارند و بدیهی است که غفلت از این کار به معنی سلب مسؤلیت به نفع جهانی سازی و جریان متولی آن است. جهانی سازی، کوششی به جهت سیطره و مقهور ساختن انسان‌ها و الگوسازی ذائقه‌هاست، به گونه‌ای که نوع معینی از رفتار و مصرف و توسعه تحمیلی فرهنگی را بنیان می‌نهد. از این رو متمایل به غربی شدن یا آمریکایی شدن است؛ که دغدغه فکری سردمداران آمریکا از جنگ جهانی دوم تا امروز که اداره سیاست آمریکا را در دست دارند، تحقق این مقوله در تمامی راه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بوده است. این برخلاف جهانی شدن است که از طریق شناخت یکدیگر شکل گرفته و مورد تأکید خداوند است: "یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ" (حجرات / ۱۳).

پس می‌توان این گونه عنوان نمود که جهانی شدن یک فرآیند طبیعی و بدون دخالت عوامل خارجی است که می‌توان از آن به جبر تاریخی نیز تعبیر کرد. بهر حال جهان در حال «شدن و دگرگونی» است و هرگز ایستا نیست؛ اما جهانی سازی دیگر یک فرآیند طبیعی نیست بلکه یک پروژه و طرحی است که از سوی عوامل بیرونی و خارجی، به منظور گسترش سیطره بر جامعه جهانی، سیاست‌ها و برنامه‌های خاص، اندیشیده می‌شود تا به صورت امری جهانی و فراگیر درآید. (واعظی، ۱۳۸۷)

۳-۴- اهمیت تعلیم و تربیت

ارزش و اعتباری که قرآن برای تعلیم و تربیت قائل شده، در سیره پیامبر (ص) نیز جلوه کرده تا جایی که ایشان خود را معلم خواندند و فرمودند: "همانا من معلم مبعوث شده‌ام." (داودی، ۱۳۸۴) در قرآن تزکیه (تربیت) و تعلیم "وَيُزَكِّهِمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ..." (سوره جمعه، ۲) به عنوان مهم‌ترین هدف بعثت انبیاء الهی به‌ویژه حضرت خاتم‌المرسلین (ص) ذکر شده است. سایر انبیاء و رسولان خداوند هم از مهم‌ترین فعالیت‌هایشان تعلیم و تربیت مردم بوده است. (عالی، ۱۳۸۹)

"تربیت" در مورد انسان عبارت از این است که با کوشش و تلاش‌های سنجیده، برنامه‌دار و مستمر، شخص را که مجموعه‌ای از خامی‌ها و کاستی‌ها است و جز مجموعه‌ای از استعداد نهفته چیز دیگری ندارد، از رکود و سقوط بیرون آورد و وارد مسیری سازد که توانایی‌هایش را به کار اندازد و رشد دهد و هم‌زمان با آن، موانع رشد را که هم در وی نهفته است، از وی بزداید. دقیقاً مانند مواد خامی که می‌توان به بهترین یا به بدترین شکلش درآورد. (باقری، ۱۳۷۹).

مهم‌ترین مسائل و چالش‌هایی که امروزه در بحث تعلیم و تربیت، جهان با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند عبارت‌اند از: (۱) با توجه به ویژگی‌های عمده جهانی سازی از قبیل فشرده شدن زمان و مکان، ارتباطات سریع، سرعت بروز تغییرات، وجود توأمان فرایندهای عام‌گرایی و خاص‌گرایی، بسط تنوع فرهنگی و دینی، تغییر ابعاد شناختی و بی‌پناهی و بی‌ریشه‌گی و... می‌توان تصور نمود که در این فضا و شرایط، رابطه میان فهم، عمل و اعتقاد دینی و نیز روابط اجتماعی به دلیل تنوع دریافت‌های دینی و برداشت‌های متکثر از دین، تضعیف شده و گرایش به هویت‌های غیردینی تأیید و تقویت می‌شود. (پورطهماسبی، ۱۳۸۸)

(۲) فرهنگ مدگرایی و مصرفی که پیامد و ناشی از فرهنگ غربی است در اثر جهانی سازی گسترش می‌یابد و این در تقابل با



اخلاق مذهبی است. این تهدید از اینجا ناشی می‌شود که تربیت اسلامی سعی می‌کند از طریق اخلاق مذهبی افق‌هایی روشن برای رستگاری و هدایت بشری ترسیم نماید.

۳) پلورالیسم با توجه به از بین بردن تمرکز مذهبی، موجب شک و تردید در آموزش مطلق و مسلمات دینی و اسلامی و حمایت از نسبی‌گرایی می‌شود.

۴) فرهنگ فعلی حاکم بر انواع ابزارهای ارتباطی نوین، برای کاربرانی که بنیة فکری قابل توجهی نداشته باشند هویت‌زدا می‌باشد و نه هویت‌ساز؛ چرا که ارزش‌های زندگی که دین مطرح می‌کند بر آن‌ها حاکم نیست و بدین ترتیب هویت ماشینی جانشین و جایگزین هویت انسانی می‌شود.

۵) جهانی‌سازی با گرایش افراطی خود به استفاده از ابزارهای فناوریانه، باعث بیگانگی انسان از فطرت خداجوی خود می‌شود؛ درحالی‌که تربیت اسلامی و دینی به دنبال بیدار ساختن فطرت خداجوی انسان بر مبنای آموزه‌های وحیانی خود می‌باشد. با این تضاد است که انسان از شناخت، درک و سازگاری با طبیعت ناتوان شده و نتیجه‌ای جز بیگانگی از خداوند، چیزی برای او در بر نخواهد داشت. (شمشیری، ۱۳۸۲) در این ارتباط و برای خنثی کردن و یا کمرنگ نمودن تأثیر پدیده جهانی‌سازی، به نظر می‌رسد که می‌توان با شناسایی مواضع مختلف و تحلیل اوضاع در سه نوع موضع: مقاومت و مخالفت؛ تسلیم و انفعال؛ تعامل سازنده و نقادانه راهکارهای مناسبی را برای این کار انجام داد.

آنچه در حال حاضر مشهود است، عبارت است از اینکه استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش راه ساده‌ای برای حل مشکلات ناشی از کم‌کاری‌ها نیست. همچنین از آن به‌عنوان راهی مستقیم برای ارتقای معیارهای عملکرد دانش‌آموزان نمی‌توان نام برد. سرمایه‌گذاری روی منابع فناوری و رشد هم‌زمان مهارت‌های دانش‌آموز و معلم باید اثربخشی همه‌جانبه مدارس را بالا ببرد و سطوح عملکرد را بهبود بخشد اما هیچ ضمانتی وجود ندارد که این نظریه‌ها عملی شوند. بعضی از نوشته‌ها از تأثیرات منفی فناوری‌های نوین بر آموزش و یادگیری حکایت دارند. "سایمور پاپرت" دانشمند امریکایی معتقد است که قرار دادن کامپیوتر در مدارس مثل نصب کردن موتور جت در یک کالسکه است. با این کار کالسکه موقتاً سرعت زیادی پیدا می‌کند اما چند لحظه بعد، همه آن تخریب می‌شود (کنی، ۲۰۰۰). هر چند در این مقایسه کمی مبالغه شده است ولی باید به این نکته توجه کرد که استفاده از فناوری‌های نوین در مدارس احتمالاً جنبه منفی نیز خواهد داشت به‌ویژه که نقش دانش‌آموز و معلم تغییر می‌کند و احتمال دارد که از حالت انسانی خارج شود. جین هیلی در کتاب خود تحت عنوان "شکست در ارتباط" می‌گوید:

«فناوری نوین جایگزین مناسبی برای تعامل انسانی دانش‌آموز و معلم و دانش‌آموز با دانش‌آموز در کلاس درس نیستند و تجهیز رده‌های درس به فناوری به‌خودی‌خود نمی‌تواند نتیجه عملکرد دانش‌آموزان را در مدرسه بهبود بخشد.» (هیلی، ۲۰۰۰، به نقل از سرکار آرانی، ۱۳۸۴) از طرف دیگر پژوهش‌های متعدد نشان داده است که در صورت استفاده صحیح از فناوری در کلاس درس، فرآیند یادگیری به شیوه‌های مختلف بهبود می‌یابد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- یادگیری از طریق حواس مختلف

۲- افزایش انگیزه یادگیرندگان

۳- بهبود تفکر انتقادی

۴- یادگیری مهارت‌های اساسی (رضوی، ۱۳۸۶).



آموزش و پرورش در روزگار فعلی با تبعیت از دگرگونی‌هایی که در جهان به واسطه فن‌آوری‌های نوین رخ داده تغییرات عمده‌ای یافته است. فناوری‌های نوین، فرصت و امکانات فراوانی برای نظام آموزش و پرورش به وجود آورده که «متنوع‌تر و خودانگیخته‌تر از جریان غالب تعلیم و تربیت معاصر می‌باشد و با انتخاب و کنترل یادگیرنده توأم است (حداد عادل، ۱۳۸۵)» دانش‌آموزان با بهره‌گیری از این فناوری‌ها دیگر در فراگیری مفاهیم منفعلانه عمل نمی‌کنند. بلکه به صورت فعال در به وجود آوردن مفاهیم شرکت می‌کنند به جای تأکید بر مفهوم، بر خلق مفاهیم تأکید می‌شود و مهارت‌های اساسی مورد توجه واقع شده و نهادینه می‌شوند. با عنایت به «تحولات عصر حاضر، به‌ویژه فناوری، روالی از اندیشه در جهان رواج می‌یابد؛ که همه با آن می‌توانند برای شکوفاندن استعدادهای ذاتی خود در جهت افزایش ذخایر آگاهی انسان، حفظ طبیعت، جو زمین و زیستگاه انسان و توسعه شناخت بشری، مسئولانه و وفادارانه مشارکت کنند و قدرت اراده انسان را در به کف گرفتن جنبه‌های سازمانی، اقتصادی و فرهنگی در حرکت به سوی جهانی‌شدن، تلاش همکارانه برای توسعه علم و آگاهی از مجهولات جهان هستی و افزایش شناخت انسان بروز دهند.» (بهرنگی، ۱۳۸۳)

(۱) فناوری‌های نوین در خدمت مربیان و دانش‌آموزان

همه معلمان باید خود را در تربیت دانش‌آموزان سهیم بدانند و این مهم را در انحصار دبیران دینی و قرآن و مربیان تربیتی ندانند. براین اساس عصر فناوری به‌تنهایی نمی‌تواند الگوهای گوناگون تدریس را دگرگون کند اگر شیوه‌های تدریس در راستای کاربرد فناوری تغییر می‌کند به این خاطر است که معلمان عادات یا هنجارهای فرهنگی و روش‌های جدید را تأیید کرده و مورد استفاده قرار می‌دهند. در واقع معلمان در هزاره سوم باید از روش‌های تفکری که فناوری جدید در اختیار قرار می‌دهد، مطلع باشند و بر ساخت دانش توسط فراگیر و تبیین مسائل توسط او تأکید داشته باشند. (لاولس، ۱۹۹۵) روشی که در فناوری‌های نوین اعمال می‌شود در واقع باور معلم درباره تعلیم و تربیت را انعکاس می‌دهد که به سهم خود با باور وی درباره علم و یادگیری در ارتباط است.

استولمن معتقد است کاربرد کامپیوتر وضعیت را ایجاد می‌کند که باعث تأکید بیشتری بر یادگیری دانش‌آموز می‌شود، مثلاً استفاده بیش‌تر از آموزش در گروه کوچک دانش‌آموزان و تغییر نقش معلم از ناشر اطلاعات به تسهیل‌کننده فرایند کسب اطلاعات از نتایج ورود فناوری‌های جدید در آموزش و پرورش است (استولمن، ۱۹۹۴)

تغییر نگرش صحیح و مثبت نسبت به خاستگاه فناوری و نیز مقاصد آن برای امور تربیتی و آموزشی در میان مربیان، معلمان و مسئولان رده‌های مختلف آموزش و پرورش، نخستین گام برای استفاده مؤثر از این فناوری عصر جدید است؛ بنابراین برای ایجاد تفکر انتقادی و پرورش حسن پرسشگری، مهارت و فهم و تغییر نگرش و باور در دانش‌آموزان، ترکیب اطلاعات تربیتی معلمان با مهارت‌های آنان در استفاده از قابلیت‌های فناوری‌های نوین، شاخص تعیین‌کننده‌ای است.

(۱) رفع محدودیت‌های زمانی و مکانی

برداشته شدن یا به حداقل رسیدن محدودیت‌های زمانی و مکانی در امر تعلیم و تربیت یکی دیگر از مزایا و فرصت‌هایی است که فناوری ایجاد کرده است. رشد و توسعه مدارس و مراکز آموزشی و کانون‌های تربیتی مجازی و تأکید بیشتر به مداومت در یادگیری، فرصتی است که فناوری جدید خالق آن بوده به طوری که در جهت رشد و بهبود و سهولت القاء پیام‌های تربیتی و آموزشی و مهارت‌های همگانی و توسعه انسانی بسیار مؤثر بوده و خواهد بود.

(۲) دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی

از فرصت‌های فراهم آمده ناشی از توسعه فناوری‌های نوین، دسترسی آسان و سریع و کم‌هزینه به منابع اطلاعاتی مفید در زمینه‌های علمی، اجتماعی، ورزشی، فرهنگی، تربیتی و ... می‌باشد که این امر می‌تواند کمک بسیاری به مربیان، معلمان، دانش‌آموزان و سایر بخشه‌ای مرتبط باشد. به‌عنوان مثال در حال حاضر اینترنت می‌تواند در هر زمان و مکان امکان دسترسی به اطلاعات را برای فراگیران فراهم و از آخرین تحولات علمی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی دنیا مطلع نماید.



۳) کاهش هزینه‌های آموزشی و تربیتی در بلندمدت

یکی از مؤثرترین و کارآمدترین فرصتی که توسعه فناوری‌های نوین در محیط‌های آموزشی و تربیتی فراهم می‌کند، کاهش هزینه‌ها می‌باشد. هر چند در نگاه اول این ویژگی ممکن است چندان مورد قبول قرار نگیرد ولی ضمن قبول این مطلب باید اذعان داشت که اصولاً یکی از انگیزه‌های توسعه فناوری‌های نوین، کاهش هزینه‌ها در ابعاد مختلف است. این امر در بخش‌های اقتصادی، بازرگانی و تجاری تاکنون اثرات مثبت خود را به دنبال داشته است.

۴) روزآمد نمودن نظام آموزشی

آموزش و پرورش جریانی فعال است که به‌طور مستمر نیازمند بازسازی، بازنگری و بهسازی است؛ زیرا با انسان سروکار دارد و انسان موجودی است که همیشه در تلاش است وضعیت فردی خود را بهتر از امروز ببیند. از مزایا و فرصت‌های توسعه فناوری‌های نوین در ارضای همین انگیزه و نیاز انسان و به دنبال آن تحول و بهسازی نظام آموزشی و پرورشی است. این تحول شامل همه نیروی انسانی در آموزش و پرورش خواهد بود. دسترسی آسان به اطلاعات و منابع داخلی و خارجی، اطلاع از تجارب و مطالعات متعدد و متنوع در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش و فرصت و امکان دستیابی به آخرین تحولات و دستاوردهای علمی، آموزشی و پرورشی و تربیتی می‌تواند پشتوانه قوی و مؤثری در روزآمدی نظام آموزشی و پرورشی باشد.

۵) بازآموزی معلمان و مربیان

سرعت تحولات علمی در جوامع مختلف دنیا و کشف و ارائه لحظه‌ای نظریه‌های جدید در امر یادگیری و یاددهی فراگیران، گسترش و توسعه منابع اطلاع‌رسانی و انتقال اطلاعات به جامعه، تسهیل امکانات و ارتباطات جدید برای دسترسی همگان به منابع اطلاعاتی و دانایی، ضرورت همگام‌سازی توانمندی معلمان و مربیان با دانش و اطلاعات روز را دوچندان می‌کند. فناوری نوین می‌تواند فرصتی را پیش روی معلمان و مربیان قرار دهد که با استفاده از یک رایانه شخصی و با اندکی آشنایی با نحوه دسترسی به منابع و اطلاعات در هر فرصت زمانی و مکانی، خود را به اطلاعات علمی و اجتماعی و تربیتی روز مجهز نماید؛ بنابراین یکی از وظایف نظام آموزشی آن است که به‌صورت فراگیر و همه‌جانبه تسهیلات لازم را برای بازآموزی معلمان و مربیان فراهم نماید.

در آینده هیچ شغلی به‌اندازه شغل معلمی با چالش‌های اساسی و بنیادی در امر آموزش و پرورش روبرو نخواهد شد و هیچ امکانی کارآمدتر از فناوری نوین برای تعدیل این چالش‌ها پیش‌بینی نمی‌شود. فناوری، نقش معلم را علاوه بر یاد دهنده به یادگیرنده هم تبدیل می‌کند و فراگیری آموزش را مادام‌العمر می‌کند (عبادی، ۱۳۸۲).

۶) ایجاد انگیزه و نوآوری در برنامه‌ها

این مسئله امکان یادگیری را آسان، بانگیزه و ماندگار می‌کند. به‌علاوه تلاش و انگیزه فراگیران را افزایش می‌دهد. تنوع در شبکه‌ها و سایت‌ها و مطالب، ضمن تقویت روحیه تحقیق و جستجوگری در میان فراگیران، شوق و تلاش برای یادگیری را در فراگیران بیش‌تر می‌کند و به قول جان رایدل اگر از فناوری آموزشی به‌گونه‌ای مناسب استفاده شود به معلمان و دانش‌آموزان کمک می‌کند تا محیط یادگیری خلاق و صمیمی را ایجاد کنند.

همچنین محیط مدرسه نقش مهمی در پیشبرد خلاقیت و نوآوری فراگیران دارد. مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌های کلاس و مدرسه زمینه‌های پرورش خلاقیت است. لازمه رسیدن و تحقق آموزش و پرورش خلاق، دور شدن از روش‌های سنتی آموزش و به‌کارگیری شیوه‌های جدید در امر یاددهی و یادگیری است و فناوری‌های نوین چنین فرصتی را برای آموزش و پرورش فراهم می‌آورد.



فناوری نوین بی طرف و خنثی نیست. همانند یک تیغ دولبه است، هم می تواند به عنوان عامل نجات و فرصت تلقی شود و هم می تواند تهدیدکننده باشد. باید آن را همان گونه که هست پذیرفت و با اتخاذ سیاست های مناسب از تهدیدات آن کاست و بر فرصت های آن افزود.

(۱) آسیب های پزشکی:

- استفاده زیاد از کامپیوتر آثار منفی بر بینایی افراد به جای می گذارد و موجب سوزش چشم ها می شود. بازی های کامپیوتری به سبب داشتن صفحات گرافیکی، تنوع رنگ و سرعت زیاد تعویض صفحات، تأثیرات منفی بر روی مغز و اعصاب کودکان و حتی بزرگ ترها می گذارد و از این راه برخی اختلالات را موجب می شوند.

- تأثیرات منفی کامپیوتر بر بدن افراد عبارتند از: دردهای شدید کمر، دست، گردن و سر که به صورت آرتروز ظاهر می شود و گاهی موجب ایجاد کیست مفصلی در مچ دست می شود. افتادن سرشانه ها و خارج شدن ستون فقرات از حالت طبیعی مشکلات دیگر مرتبط با آسیب های پزشکی کامپیوتر است؛ که به دلیل نشستن به مدت طولانی در پشت کامپیوتر و تایپ و کار زیاد با آن به وجود می آید.

(۲) بحران تک فرهنگی و هویت ملی

هویت ملی که منتج از مفهوم هویت می باشد، ملت ها را قابل شناسایی و از هم متمایز می کند. هویت ملی، ابزاری برای تفکیک یک ملت از ملت دیگر با تکیه بر آگاهی مشترک حول مفهوم یا مفاهیم تعریف شده جمعی است و تا زمانی که آگاهی مشترکی برای تفکیک خود از دیگری به وجود نیاید، هویت ملی، امکان شکل گیری ندارد. در ارتباط با مقوله جهانی شدن مسئله نگران کننده، رشد تک فرهنگی جهانی است، فرهنگی که از سوی رسانه های جهانی غرب و شبکه های روابط عمومی آن ها تبلیغ می شود، فرهنگی که به مردم دیکته می کند که چه بپوشند، چه بخورند، چگونه زندگی و چگونه فکر کنند. یکی از ابعاد جدال بین فرهنگ انقلاب اسلامی ایران و فرهنگ جهانی سازی آمریکایی، در معنا سازی فرهنگی است. فرهنگ، گاه به عنوان یک نظام معنا دهنده تعریف می شود. در این معنا، فرهنگ در پی کنترل دیگران است و برای دستیابی به این امر، فرهنگ آمریکایی می کوشد تا ارزش های همسو و همگن با آمریکا را در کشورهای اسلامی از جمله ایران ترویج کند. با توجه به پیشرفت فناوری ماهواره ای و گسترش رسانه ای و آماده شدن بستر تبادل فرهنگی در دهکده جهانی، تحقیقات مؤید آن است که این پدیده می تواند به «بحران هویت» دامن بزند. تحولات عصر فناوری اطلاعات و جهانی شدن رسانه ها، تهدیدی جدی برای هویت دینی، ملی و فرهنگی جامعه دینی ما به حساب می آید. آلون تافلر، نویسنده و منتقد اجتماعی می نویسد: «تکنولوژی ماهواره ای و دیگر رسانه های جدید، فرهنگ ملی را از هم می پاشند (عطاران، ۱۳۸۱)» پاستر معتقد است: «آنچه در فناوری عصر دوم رسانه ها، یعنی عصر اینترنت، پست الکترونیکی و ماهواره مهم است، دگرگونی گسترده فرهنگ، هویت فرهنگی و روش جدید ساخته شدن هویت هاست (ادیبی سده، ۱۳۸۵)».

مسئله اجتماعی جامعه ما به ویژه نسل جوان و نوجوان، عدم شناخت و درک هویت اجتماعی است که با تقلید کورکورانه از بیگانگان، از فرهنگ و هویت خود فاصله گرفته و «عزت فرهنگی» خود را به فراموشی می سپارند. الگوهای فراوان، متضاد و متنوعی که در رسانه های مختلف ارائه می شود، نسل جوان و نوجوان را هدف گرفته و از این جهت هویت یابی آنان با تهدیدها و آسیب های جدی مواجه شده است. این مسئله موجب شده تا نسل جوان به ناهنجاری های رفتاری غالباً متضاد با ارزش های جامعه روی آورند؛ بنابراین برنامه ریزی و هماهنگی دستگاه های فرهنگی با آموزش و پرورش و نگاه مثبت معلمان و مربیان نظام تعلیم و تربیت برای مقابله با شیوه های جذاب و کارساز و هنرمندانه بسیار اهمیت دارد به طوری که اگر معلمان و مربیان توجه دانش آموزان را به فرهنگ غرب با اندیشه ورزی، آگاهی و نقد منصفانه همراه سازند نه فقط از آثار منفی آن کاسته خواهد شد بلکه نوعی تبادل فرهنگی هم به حساب می آید.



نسل جوان ما باید در پرتو خودآگاهی در انتخاب الگوی راستین دچار حیرت و سرگردانی نشود، او باید بداند که پیشرفت کردن و امروزی شدن و حرکت به جلو در گرو پشت پا زدن به هویت ملی و دینی و سنت‌های مثبت و اصیل نیست! کشور ژاپن با حفظ خط باستانی و پوشش سنتی خود در زمره هفت کشور صنعتی دنیا قرار گرفت ولی کشور ترکیه با وجود تحول در خط و لباس و شیوه زندگی خود تا به حال برای عضو شدن در اتحادیه اروپا با مشکلات مواجه است.

(۳) از خودباختگی علمی و بی‌سوادی مدرن

از آنجاکه قسمت اعظم هویت دانش آموزان در مدرسه شکل می‌گیرد، اگر مدرسه و کانون‌های تربیتی و پرورشی، در ایجاد خودباوری و شخصیت و هویت دهی روشن به این‌گونه دانش‌آموزان، به وظیفه خطیر خود عمل نکنند، پیامد آن وابستگی و بی‌هویتی و احساس حقارت و خودباختگی در مقابل بیگانگان خواهد بود. سرمایه‌داری جهانی در بخش ساخت‌افزایی و پیشرفت اقتصاد خود عمدتاً از نیروهای کشورهای درحال توسعه استفاده و در بخش نرم‌افزاری و تربیت نیروی انسانی در زمینه‌های امور فرهنگی، علوم انسانی و... از نیروهای بومی کشورهای خود استفاده می‌کنند. پیامد تهدیدی این امر آن است که نیروهای متخصص کشورهای درحال توسعه نسبت به مسائل فرهنگی و سیاسی جامعه خود بیگانه و کم‌اطلاع می‌شوند و به راحتی راه برای نفوذ فرهنگ‌های غربی به کشورهای درحال توسعه فراهم می‌شود. متأسفانه هم‌اکنون بسیاری از دانش‌آموزان کشور به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی حتی به خودشان این‌طور القاء شده که آینده روشن و مفیدی برای خود، خانواده و جامعه رقم نمی‌زنند و لذا ادامه تحصیل خود را بیهوده و اتلاف وقت تلقی می‌کنند، بنابراین این طرز تفکر، احساس بی‌هویتی، کاهش انگیزه و تزلزل اعتماد را برای جوانان ایجاد می‌کند.

(۴) تزلزل جایگاه و شأن معلم

امکانات و منابع مالی آموزش و پرورش در کشور ما از سطح استانداردهای جهانی خیلی پایین‌تر است و بدین ترتیب حقوق و مزایای معلمان نیز ناکافی بوده و منزلت اجتماعی آنان دچار آسیب‌های جدی شده است.

مادامی که معلمان ما زیر خط فقر بوده و امکانات و فضای لازم برای مجموعه آموزش و پرورش نداشته باشیم چگونه

می‌توان از این نهاد توقع تربیت دانش‌آموزان شایسته، خلاق و متدین و پرسشگر مطابق با انتظارات را داشت؟

بنابراین اگر نظام تعلیم و تربیت کشور مطابق استانداردهای بین‌المللی باشد و در هر کلاس ۱۲ نفر دانش‌آموز وجود داشت و حقوق مزایای معلمان کافی بود و - این معضل بر سر راه انجام وظایف آنان مانع ایجاد نمی‌کرد - در چنین وضعی «معلم» و «معلمی» برای جوان امروزی ایده و الگو می‌شد و معلمی جایگاه و اعتبار شایسته می‌یافت و معلمان نیز بدون دغدغه خاطر و بانگیزه و انرژی لازم به نحو احسن نقش خود را ایفا می‌کردند. ولی آیا با وضع فعلی می‌توان به اهداف و انتظارات دست یافت؟

(۵) گرایش به مسائل ضد اخلاقی

حدود ۱/۵ درصد از مجموع اطلاعات موجود در سایت‌های اینترنتی، غیراخلاقی، بیش از ۹۰ درصد از آن‌ها تجاری و مابقی آن با سایر امور علمی، فرهنگی، ورزشی و سایر موضوعات مرتبط است. این در حالی است که ۱۱ درصد افراد روی زمین با رفتارهای جنسی ناسالم مواجه‌اند که اصولاً ربطی به اینترنت ندارد؛ بنابراین آسیب‌های ناشی از اینترنت، در مقایسه با شرایط عادی فساد اخلاقی در جامعه چندین برابر کمتر است؛ اما آنچه می‌تواند در اینترنت خطرناک‌تر تلقی گردد، ارتباطی است که از طریق اتاق‌های گفت‌وگو بین افراد مختلف برقرار می‌شود و در برخی موارد صدمات زیاد به وجود می‌آورد. این اتاق‌های گفت‌وگو که معمولاً بانام‌های جعلی و مجهول امکان ارتباط در آن وجود دارد، می‌تواند زمینه‌های لازم را برای ایجاد برخی از مفاسد اجتماعی به وجود آورد و تقریباً راهی هم برای جلوگیری از آن وجود ندارد. در یک اتاق گفت‌وگو، مردی ۶۰ ساله می‌تواند خود را ۲۰ ساله معرفی کند و به اذیت و آزار دیگران بپردازد.



در کشورهای در حال توسعه، از جمله کشور ما، بنا بر شرایط فرهنگی و اجتماعی، احتمال آسیب پذیری زیادی در اثر تعامل گسترده با دیگر فرهنگ‌ها وجود دارد. به رغم پیشرفت‌های حاصل شده در سازوکارهای امنیتی و کنترلی در اینترنت، قابلیت‌های کنترلی در این گونه موارد کم‌تر مؤثر واقع می‌شوند؛ بنابراین توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی کشورها یا مناطق جغرافیایی خاص، قبل از ایجاد شهر الکترونیک، آماده کردن خانواده‌ها از بعد فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی ضروری است.

سوق دادن فرزندان به سمت پدیده پورنوگرافی و مسائل جنسی، از دیگر ترفندهای پایگاه‌های اینترنتی است که پدیدآورنده مشکلات اخلاقی برای فرزندان ما می‌باشد. از جمله این مشکلات می‌توان به اختلال در خواب و بلوغ زودرس اشاره نمود. هدف این پایگاه‌ها سست کردن بنیان خانواده‌ها و اشاعه فرهنگ فساد و فحشا در جامعه است؛ زیرا این رهیافتی است که برای برچیدن فرهنگ‌های اصیل دینی و اخلاقی و براندازی نظام‌های دینی هم چون کشور اسلامی، اندلس در گذشته تجربه شده است.

اینان با پخش تصاویر، فیلم‌ها، داستان‌ها و مطالب مستهجن، قصد دارند فرزندان ما را به فساد اخلاقی کشانند و آنان را به این پدیده معتاد سازند. آمار نشان می‌دهد که هر روز ۲۶۶ صفحه جدید پورنو در اینترنت تأسیس می‌شود. تعدادی از پژوهشگران معتقدند که عادت بیمارگونه دیدن عکس یا فیلم‌های پورنو، بر رفتار جنسی افراد تأثیر منفی دارد. برخی دیگر از پژوهشگران نیز مشاهده تصاویر پورنو را با مصرف مواد مخدر مقایسه می‌کنند و ادعا می‌کنند که دیدن صفحات پورنو در اینترنت، تفاوتی با استعمال مواد مخدر ندارد. اینان می‌گویند یک‌بار دیدن پورنو، برای ابتلا به اعتیاد کافی است. فرزندان ما با مشاهده این گونه مطالب در صفحات وب، با بن‌بست روحی شدیدی مواجه گشته، به افسردگی دچار خواهند شد.

۶) ایجاد شکاف دیجیتالی

نگرانی زمانی مضاعف می‌شود که سرعت، عمق و تأثیرگذاری همه‌جانبه فناوری این فاصله‌ها را به سمت یک شکاف دیجیتالی درآورد. در حال حاضر جوامع به لحاظ اطلاعاتی به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: کشورهای پیشتاز در توسعه فناوری‌های نوین مثل آمریکا، سنگاپور، هند و ایتالیا.

دسته دوم: کشورهای تندروده که به دنبال کشورهای پیشتاز هستند مثل کویت، امارات و مجارستان.

دسته سوم: آیندگان یعنی کشورهایی که در زمینه فناوری‌های نوین سرمایه‌گذاری کرده‌اند و برنامه‌هایی را تدارک دیده‌اند مثل آفریقای جنوبی، چین و شیلی.

دسته چهارم: آغازگران هستند یعنی کشورهایی که در آغاز راه توسعه فناوری قرار دارند مثل روسیه و مصر.

دسته پنجم: بازماندگان یعنی کشورهایی که هیچ برنامه مشخصی برای توسعه فناوری‌های نوین ندارند مثل کنیا، کامبوج، عراق، سومالی، سودان (عبادی، ۱۳۸۲).

نکته قابل توجه آن است که بیش از ۵۰ درصد از کشورهای دنیا از جمله ایران در رده آغازگران و بازماندگان قرار دارند به همین دلیل می‌گویند شکاف دیجیتالی در بین کشورهای دنیا ایجاد شده است. هرچند در سطح آموزش و پرورش، اطلاعات دقیقی در اختیار نیست اما بررسی‌های اجمالی با توجه به سوابق وجود شکاف طبقاتی بین مناطق برخوردار و مناطق محروم و روند رو به تزاید آن در سال‌های اخیر، این نگرانی همچنان به‌عنوان یک واقعیت در امر توسعه فناوری در نظام آموزشی و تربیتی به چشم می‌خورد و می‌تواند به‌عنوان تهدید تلقی گردد.

۷) دسترسی آسان به منابع ضد ارزشی

استفاده ابزاری از امکانات فناوری اطلاعات به‌ویژه اینترنت در جهت تأمین منابع و منافع اقتصادی، حاکمیت و تسلط معنی‌دار و بلامنازع شرکت‌های غربی بر شبکه‌های اینترنتی و تلاش همه‌جانبه برای انتقال مؤلفه‌های فرهنگی غرب در قالب نظم نوین جهانی و توانمندی بالقوه اینترنت برای ارائه و تبلیغ ناهنجاری‌های اخلاقی موجب نگرانی جدی بسیاری از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به‌ویژه خانواده‌ها و نهادهای فرهنگی است گرچه بنابر اظهارات رسمی از برخی از مقامات مسئول



حجم این قبیل اطلاعات کمتر از ۱/۵ درصد است اما باید این واقعیت را هم پذیرفت که فرهنگ فناوری‌های نوین از مؤلفه‌های خاص خود برخوردار است و تلاش برای القاء ناهنجاری‌های اخلاقی و حتی استفاده از شیوه‌های مؤثر برای اثرگذاری بر روی مخاطبین از جمله نتایج توسعه فناوری است که باید برای مقابله منطقی با آن چاره‌ای اندیشید.

۸) کاهش ارزش زمان گذشته و افزایش ارزش زمان حال

از جمله اصول مهم در نظام آموزشی سنتی جامعه ایران، ارزش فوق‌العاده‌ای است که «زمان گذشته» دارا می‌باشد. همواره در گفت‌وگوها، از این ارزش به‌عنوان «تجربه» یاد می‌شود و پیوسته افراد بزرگ‌تر را درس‌آموز و صاحبان تجربه دانسته و سعی همگانی بر این است که با استفاده از تجربه ایشان، بر دانش خود بیفزایند. این تلقی، اصول نظری و عملی خاصی را در نظام آموزشی حاکم ساخته که معمولاً به‌عنوان «ادب تحصیل» از آن یاد می‌شود. جوان امروزی خود را نیازمند تجربه نسل قبل ندیده و احساس می‌کند به توانمندی‌ها و دانش‌هایی دست‌یافته که به‌مراتب بیشتر از دانسته‌های نسل پیشین است. با توجه به سرعت فزاینده رشد امکانات جدید آموزشی و ارتباطاتی در جامعه ما، این تحول در حال وقوع است.

۹) بی‌تفاوتی معلمان و مربیان

توسعه فناوری نوین هرچند نیازمند به همکاری همه بخش‌های آموزش و پرورش است اما هیچ حوزه‌ای همچون حوزه معلمان و مربیان و برنامه‌ریزی نیروی انسانی، نقش اساسی در این امر را بر عهده ندارد.

معلمان و مربیان همچنان که در توسعه و تحول می‌توانند نقش کلیدی و محوری ایفا نمایند در توقف و یا مقاومت در برابر تحول نیز نقش کلیدی دارند. به قول ژاک دلور که می‌گوید: "جامعه از کامپیوتر نمی‌خواهد که زندگی را عوض کند و آموزش را متناسب با نیازهای آن‌ها کند، بلکه از معلم می‌خواهد ارزش‌ها را آموزش دهد و دانش‌آموزانش را متناسب با نیازهای جامعه تربیت کند" بنابراین با توجه به این‌که اغلب معلمان و مربیان آمادگی کافی برای بهره‌مندی از فناوری نوین را ندارند، پیش‌بینی می‌شود این عدم آمادگی خود به مقاومت در برابر تغییر و نوآوری تبدیل شود که لازم است تمهیدات لازم برای همراهی معلمان و مربیان با گسترش آموزش و مشارکت در امر برنامه‌ریزی و اجرا و ایجاد انگیزه‌های معنوی و مادی و تشویق آنان پیش‌بینی شود. (مرعشی، ۱۳۹۴)

۵- بحث و نتیجه‌گیری

امروزه دیگر هویت انسان‌ها تحت تأثیر یک جامعه و یا یک ساختار اجتماعی ثابت قرار ندارد، بلکه از یک هویت اجتماعی در عرصه بین‌المللی نیز متأثر می‌شود. بسیاری از نویسندگان ویژگی‌های اصلی جهانی‌شدن را در مفاهیمی چون ظهور دهکده الکترونیک جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی زمان و مکان، گسترش جهانی آگاهی، کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی خلاصه کرده‌اند.

جهانی‌سازی می‌تواند برای تعلیم و تربیت اسلامی چالش‌هایی را در برداشته باشد که می‌توان به گسترش فرهنگ مصرفی و مدگرایی غربی، شک و تردید در ارزش‌های مطلق و مسلم دینی و اسلامی، رواج و گسترش تکثرگرایی دینی، آسیب‌رساندن به هویت دینی و اسلامی، تقابل با اخلاق مذهبی و در نهایت بیگانه نمودن انسان از فطرت خداجوی خود، اشاره کرد. علاوه بر این جهانی‌سازی فرصت‌هایی نیز برای تربیت اسلامی دربر دارد که می‌توان با استفاده از آن‌ها روند تربیت اسلامی را تسهیل نمود. از جمله مواردی که می‌توان به‌عنوان فرصت‌های جهانی‌سازی برای تربیت اسلامی از آن‌ها یاد نمود عبارت‌اند از: توسعه و گسترش نفوذ تربیت اسلامی و دینی با استفاده از ابزار و فناوری‌های تکنولوژیکی و اطلاعاتی، هماهنگ کردن تربیت اسلامی با مقتضیات زمان، شناخت و استفاده از ارتباطات بین فرهنگی و جهانی کردن فرهنگ و تربیت اسلامی. (موسوی، ۱۳۹۱)

آموزش و پرورش در کشور ما نهادی است که وظیفه دارد دانش‌آموزان را متخلق به دانش و مهارت، اخلاق اسلامی و معنویت بار بیاورد و قطعاً نمی‌تواند چشم بر روی تغییر و تحولات جهانی به‌ویژه در حیطه فناوری‌های نوین ببندد و بر روش‌ها و ثبات



و دوام یافته‌ها و همه سنت‌های گذشته تأکید کند و از فرصت‌های طلایی عصر ارتباطات خود را محروم کند. البته درست است که نظام تعلیم و تربیت ما مبتنی بر جهان بینی هستی شناسانه قرآن بوده و بر حفظ مبانی و هویت دینی و ملی تأکید جدی دارد و باید هم داشته باشد، اما نسل جوان امروز که شدیداً شیفته جلوه‌های خیره‌کننده عصر مدرنیته و فناوری گشته را چگونه بر اساس اعتقادات و ارزش‌های ملی و دینی تربیت کرد؟ توسعه فناوری نوین هرچند نیازمند به همکاری همه بخش‌های آموزش و پرورش است اما هیچ حوزه‌ای همچون حوزه معلمان و مربیان و برنامه‌ریزی نیروی انسانی، نقش اساسی در این امر را بر عهده ندارد.

امکانات و منابع مالی آموزش و پرورش در کشور ما از سطح استانداردهای جهانی خیلی پایین‌تر است و بدین ترتیب حقوق و مزایای معلمان نیز ناکافی بوده و منزلت اجتماعی آنان دچار آسیب‌های جدی شده است.

پدیده جهانی شدن بر آموزش و پرورش نیز تأثیرگذار شده و یکی از ابعاد آن، مسئله جابه‌جایی استاد، دانشجو و دانش در سراسر جهان است. از این رو، فارغ‌التحصیلان مدارس و دانشگاه‌ها تنها با بازار کار در داخل کشور روبه‌رو نیستند و در صورت دستیابی به تخصص موردنیاز و قابل رقابت در منطقه و یا صحنه‌های بین‌المللی می‌توانند در هر جا که مایل باشند به آموزش بپردازند. بدون شک، دانستن زبان خارجی و تسلط بر آن یکی از پیش شرط‌های این جابه‌جایی و تحرک برای جست‌وجوی تحصیل و اشتغال در سایر مناطق جهان است و آموزش و پرورش باید این مسؤلیت را بپذیرد که آموزش زبان خارجی را به‌عنوان یک ابزار ارتقای علمی و نیز وسیله اشتغال و تحصیل شهروندان کشور در نظر گرفته و با رعایت کیفیت این آموزش و اعتلای آن در سطح استانداردهای منطقه‌ای و جهانی، شرایط را برای حضور نیروهای کیفی و برتر جامعه فراهم سازد.

فناوری به مؤسسات آموزشی کمک می‌کند تا ساختارهای خود را همگام با تحولات زمان توسعه دهند، مسؤلیت‌های جدیدی را در ارتباط با توسعه علم و مردمی کردن آن، گسترش آموزش، تأکید بر آموزش مداوم، یادگیری مادام‌العمر و تعمیم آموزش و ... بپذیرند. برای آشنایی با مسؤلیت‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌هایی که فناوری‌های نوین پیش روی مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی قرار داده است، نیاز به بهره‌گیری از تجربه دیگران برای تبیین دقیق نقش‌ها و کارکردهای سازمانی در سطوح ملی و منطقه‌ای کاملاً محسوس است.

فناوری به‌عنوان یک رویکرد نوین، در نقش مکمل نظام آموزشی – بهبود کیفیت تدریس، تنوع بخشیدن به شیوه‌های تدریس – فراهم ساختن آموزش مستمر و خودکار – کوتاه نمودن زمان آموزش – کوتاه کردن دوره تحصیل، توجه به استعدادهای فردی – انفرادی کردن آموزش و مقابله با مشکلات آموزش جمعی عمل می‌کند.



۶- منابع

- ادیبی سده، صدیقه ۱۳۸۵. جهانی شدن. تعلیم و تربیت و فناوری اطلاعات، پیوند، ش ۳۲۵. ۴۵-۵۱
- تافلر، الوین و هایدی 1375. به سوی تمدن جدید، ترجمه محمد رضا جعفری، نشر سیمرغ.
- جلالی، علی اکبر ۱۳۸۲. *آسیب شناسی فناوری اطلاعات در خانواده*، تهران: پژوهشکده خانواده.
- باقری، خسرو ۱۳۷۹. تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، ج ۳، قم، مرکز تربیت اسلامی، ص ۱۷۷.
- حداد عادل؛ غلامعلی، ۱۳۸۵، *آسیب شناسی تربیت دینی ج ۱*، گفتگوکننده اسداله مرادی، تهران، انتشارات مدرسه.
- حسینی بهشتی، علیرضا ۱۳۷۹. تعدد فرهنگی و سیاست، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۶.
- حق پناهی، محمد و دیگران ۱۳۸۳. آموزش ترکیبی در نظام علمی - کاربردی، مجموعه مقالات دومین همایش آموزشی الکترونیک، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری آشنا
- رضوی، سید عباس ۱۳۸۶. مباحث نوین در فناوری آموزشی. انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز. اهواز
- سجادی، سید عبدالقیوم ۱۳۸۱. جهانی سازی و حکومت جهان اسلام، نشریه کیهان، شماره ۱۷۵۵۶.
- سرکار آرانی، محمدرضا ۱۳۸۴. یادگیری راهی به سوی پرکردن شکاف دیجیتال. ناشر: منادی تربیت. تهران
- سناکازم (۱۳۸۹)، جهانی سازی و مفاهیم مرتبط با آن، ترجمه: کامیار صداقت برگرفته از سایت: <http://www.aftabir.com>
- شمشیری، بابک ۱۳۸۲. بررسی تحلیل پیامدهای ناشی از گرایش افراطی به آموزش مجازی و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، کتاب برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات
- صالحی امیری، رضا-حیدری زاده، الهه. ۱۳۸۶. نقش فن آوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزشی توسعه فرهنگی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، پژوهشنامه شماره: ۱۵
- کومسا، ۱۳۷۸. جهانی شدن و منطقه گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه، اطلاعات سیاسی اقتصادی، اسماعیل مردانی، ش ۱۴۸،
- عطاران، محمد ۱۳۸۱. جهان شدن، فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات آفتاب مهر و ایتا.
- عطاران، محمد ۱۳۸۳. تحلیل رویکرد نقادانه بر توسعه فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات، تهران: مدارس هوشمند.
- ملکی، صفی الله. ۱۳۸۸. فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش، انتشارات جهاد دانشگاهی
- مهرعلیزاده، یدالله 1383. جهانی سازی و نظامهای آموزشی با تأکید بر کشور ایران، انتشارات رسش، زمستان.
- واعظی، حسن ۱۳۸۷. استعمار فرا نو، جهانی سازی و انقلاب اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ص ۱۳۹.

Mileva, N. Simpson, B. & Thompson, J. (2008). A Framework for Mobile Learning Pedagogy: A Critique underpinned by Constructivism

McNair, S. (2000). The Emerging policy Agenda. In OECD, (Ed), *Schooling for Tomorrow: Learning to Bridge the Digital Divide*. Paris: OECD, pp.9-19



The need for mobile learning and the use of new technologies in the age of globalization

Saeid shahmohammdi Master of Persian Language and Literature, Mohaghegh Ardabili University s.sh.mohaggeg@gmail.com	Ali rahmati Master student of educational psychology, Ajabshir Azad University ali120sr@gmail.com
--	--

Abstract

Today, due to the widespread use of emerging technologies by users, education in the traditional model is not possible for everyone, and it is important to provide a system that can automatically adapt to the level of knowledge and interests of users. Developments in the field of education promise that a suitable learning environment can be made available to everyone on a large scale and with the necessary flexibility, and that learning environment can be mobile learning. Any change in various fields, including the field of education, culture and training, will have consequences and consequences commensurate with its goals and functions. Recognition of any phenomenon, the need for comprehensive attention to the results and effects of change will be the development of new technologies is no exception to this rule. Therefore, it is necessary to examine the opportunities and threats of technology development in education. These opportunities and threats affect not only students but also teachers and families. Mobile learning technologies in education are among the desirable and important technologies that meet many educational goals in distance education and provide experiences and information to learners regardless of time and place. Education has a duty to make students creative with knowledge and skills, Islamic ethics and spirituality, and certainly can not turn a blind eye to global changes, especially in the field of new technologies. Teachers and educators can play a key role in development and transformation. They also play a key role in stopping or resisting change.

Keywords: New technologies, education, training, opportunities, threats